



The Intrinsic Criteria for Selecting Fundamental Quranic Virtues *

Zeinab Hashemi ¹ Seyyed Mohammad Sadiq Mousavi Nasab ² and Tahereh

Mahrouzadeh ³

Abstract



In a narration from the Prophet Muhammad (Peace Be Upon Him), the completion of noble virtues, meaning ethical virtues, has been introduced as the goal of his mission. The elucidation and acquisition of ethical virtues are among the most important goals of Islam. Since virtues in Islam encompass all acquired qualities and inner and outer behaviors of humans that originate from their will, some virtues have multifaceted relationships and are foundational in the Islamic ethical framework. Therefore, in this research, using a descriptive-analytical method, we turned to the Quran as the primary and most comprehensive source of Islamic education and ethics to contemplate the merits and characteristics of virtues in its text. The Quran addresses various virtues in diverse forms and highlights their fundamental nature using different methods and foundational aspects. Consequently, after clarifying the necessary conditions and criteria for determining the distinguishing criteria of fundamental virtues from other virtues, criteria that can indicate the foundational nature of virtues were discovered and presented from the Quranic text. These criteria include: abundance of its mention, explicit and serious divine demand, prominent feature of Quranic patterns, possession of beneficial effects and consequences, being a goal for Quranic educational programs, emphasis on structure or content, extensive relationship and coexistence with other virtues, antagonistic relationship with vices, succession relationship with other fundamental virtues, and preference for ranking.

Keywords: Ranking criteria for Virtues, Ethics, Quranic Criteria, Distinctions in Virtue Criteria in Islam and Western Schools of Thought.

*. **Date of Receiving:** 11/12/2022, **Date of Approving:** 06/08/2023.

1. PhD Candidate, Department of Jurisprudence and Quranic Studies, Shahida Bint al-Huda Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author): zeinab2529767@gmail.com.

2. Specialized Doctorate, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: hashemizainab@gmail.com.

3. Tahereh Mahrouzadeh, Specialized Doctorate, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Quranic Studies, Shahida Bint al-Huda Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: azizmousavi5@gmail.com.



معیارهای درون متنی گزینش فضائل بنیادین قرآنی*

زینب هاشمی^۱ و سید محمد صادق موسوی نسب^۲ و طاهره ماهروزاده^۳



چکیده

در روایتی از حضرت رسول اکرم ﷺ تمام کردن مکارم یعنی فضائل اخلاقی هدف بعثت ایشان معرفی شده است؛ یعنی تبیین و اکتساب فضائل اخلاقی، از مهم ترین اهداف اسلام است و از آنجایی که فضائل در اسلام شامل همه صفات اکتسابی و رفتارهای درونی و بیرونی انسان می شود که از روی اختیار از انسان صادر می شود، فضائلی که ارتباطی چندوجهی و یا به تعبیری سازواره ای با یکدیگر دارند و برخی نقش اساسی و بنیادینی در پیکره اخلاق اسلامی دارند که تمسک به آنها زمینه ساز و لازمه تحقق دیگر فضائل هستند؛ لذا در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، با تدبر در امتیازات و ویژگی های فضائل در متن قرآن کریم، با هدف دستیابی به معیارها و شاخص های این فضائل به سراغ قرآن کریم رفتیم که اولین و جامع ترین منبع تربیت و اخلاق اسلامی است و به اشکال متنوع به انواعی از فضائل پرداخته، با روش های مختلف براساسی و بنیادی بودن آنها اشاره کرده است. در نتیجه پس از تبیین شرایط و ضوابط لازم برای تعیین معیارهای متمایزکننده فضائل بنیادین از دیگر فضائل، معیارهایی که بتواند تا حدودی و یا در کنار دیگر معیارها دال بر بنیادین بودن فضائل بود، از متن قرآن کریم کشف و ارائه شد. معیارهایی چون: «فراوانی سخن گفتن از آن، خواست صریح و جدی خداوند متعال، ویژگی برجسته الگوهای قرآنی، برخورداری از آثار و پیامدهای سعادت‌مندانه، هدف بودن برای برنامه های تربیتی قرآن، استفاده از بن، ساختار و یا محتوای تأکیدی، ارتباط گسترده همنشینی با دیگر فضائل، رابطه تقابل با رذائل وخیم، رابطه جانشینی با فضائل بنیادین دیگر و برخورداری از ترجیحات رتبی».

واژگان کلیدی: معیارهای رتبه بندی فضائل، اخلاق، معیارهای قرآن، تمایزات معیار فضیلت در اسلام و مکاتب غربی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵.

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و قرآن، مؤسسه آموزش عالی شهید بنی الهدی صدر، جامعة المصطفی ص العالمیة، قم، ایران (نویسنده مسئول):
zeinab2529767@gmail.com

۲. دکتری تخصصی استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران: hashemizainab@gmail.com

۳. دکتری تخصصی استادیار گروه فقه و قرآن، مؤسسه آموزش عالی شهید بنی الهدی صدر، جامعة المصطفی ص العالمیة، قم، ایران: azizmousavi5@gmail.com



مقدمه

قرآن کریم کتاب هدایت است و از جانب پروردگار حکیمی که یکی از صفات او «ذی المعارج» یعنی خدای صاحب درجات، نازل شده است (معارج/۳). البته قطعاً درجات در ذات الهی راه ندارند؛ بلکه افعال و مخلوقات او هستند که درجات و مراتب داشته، مرحله‌بندی و منظم شده‌اند (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۲۱/۲۳۱). چنان‌که خلقت او مرحله به مرحله و زمان‌دار بوده است، از خلقت آسمان و زمین در شش روز گرفته «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (فرقان/۵۹) تا تحولات قیامت که طی ۵۰ هزار سال رخ می‌دهد. «... فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (معارج/۴). این مرحله‌بندی و تحول در آفرینش اولین انسان و بُعد نسل او «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» (مؤمنون/۱۴-۱۲)؛ و حتی مراحل رشد و کمال انسان «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف/۱۵) نیز وجود دارد.

نزول تدریجی قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم ﷺ در تربیت و پیاده‌سازی تدریجی قوانین اسلام و همچنین سیره سایر انبیاء و اوصیاء الهی، قرینه خوبی بر این مدعاست که نه‌تنها در امور خلقت ظاهری انسان که خلق و شکل‌گیری شخصیت انسان نیز نیازمند برنامه‌ریزی، تقدم و تأخر داشته، نیازمند تمرکز بر برخی فضائل و اهم‌ومهم کردن فضائل است؛ چراکه فقدان نظم و بیان فضائل متعدد و فراوان، بدون رتبه‌بندی و مشخص کردن اهم‌ومهم آنها، خود بزرگترین عامل در کندی، ناکارآمدی و نداشتن بازدهی مناسب فعالیت‌های تربیتی است.

چنان‌که در ادوار مختلف همواره دست‌اندرکاران امر تربیت اخلاقی اسلامی و غیراسلامی، عملاً دست به گزینش و اهم‌ومهم کردن فضایل زده‌اند؛ یعنی عملاً برخی از ویژگی‌های اخلاقی را بیش از دیگران مورد توجه قرار داده‌اند. این سلوک در منابع مختلف به شرح ذیل است:

۱. منابع اسلامی

الف. قرآن کریم: براساس نظریه غالب در باب تربیت اخلاقی در اسلام مبنی بر اینکه «تربیت اسلامی همان تربیت اخلاقی است» می‌توان ادعا کرد که اگر هدف و نتیجه همه مباحث قرآن کریم اخلاق نباشد لااقل هیچ‌یک از مباحث قرآن کریم از اخلاق خالی نیست و آیات نورانی آن همواره مزه اخلاق می‌دهند. آیات قیامت و تبشیرها و اندازهایش، رستگاران و افراد زیان‌کار، قصه‌های پیامبران و طاغوت‌ها، عبرت‌ها و امر و دستورها همه به نوعی با اخلاق در ارتباط‌اند. بنابراین قرآن کریم برای ارائه مباحث اخلاقی روش‌های متعددی دارد کردکه به گستردگی تمامی روشهایی است که قرآن کریم برای

هدایت انسان اتخاذ کرده است؛ اما با وجود وجود فضائل و روش‌های مختلف در ارائه آنها، نه فضائل خاصی به صورت واضح فضائل بنیادین معرفی شده‌اند و نه معیارهای روشنی برای رتبه‌بندی فضائل و حتی تشخیص فضائل بنیادین ارائه شده است.

ب. روایات: چنان‌که حجم فراوانی از سخنان معصومین (علیهم‌السلام) حول اخلاقیات و مباحث اخلاقی است، لزوماً فضائلی نیز به اشکال مختلف متمایز، خاص و حتی مرجح و اساسی معرفی شده‌اند؛ لذا هرچند نمی‌توان بر پایه وجود و یا نبود فضیلتی و یا بر خالی از تأکیدبودن و یا مؤکدبودن و یا دیگر امتیازات ساختاری و محتوایی فضائل در کاربردهای حدیثی فضائل بنیادین بنای فضائل بنیادین را کشف نمود؛ چراکه اولاً باتوجه به شرایط و محدودیت‌های این بزرگواران در طول حیات و پیروان و ناقلان حدیث ایشان در طول تاریخ و ثانیاً دشمنی و عناد مخالفان ایشان که موجب ازبین‌رفتن حجم زیادی از این احادیث و حتی جعل سخنان این بزرگواران شده است و ثالثاً رسوخ نقل به معنا در منقولات ایشان با وجود تأکیداتی که ایشان در کتابت و حفظ الفاظ و عبارات داشته‌اند؛ اما می‌توان از دلالت روایات برای تکمیل و تبیین بهتر فضائل بنیادین استفاده کرد.

ج. کتاب‌های اسلامی: در دین مبین اسلام مباحث دینی جدای از اخلاق نبوده و نیستند؛ اما این مباحث با چینش‌ها و طبقه‌بندی‌های متعددی ارائه شده‌اند که اگر بخواهیم به صورت منظم‌تری چگونگی طرح اینگونه مباحث را بررسی کنیم، می‌بایست چینش فضائل و ردائل را در کتبی پی بگیریم که به صورت خاص از فضائل و ردائل اخلاقی می‌گویند.

۱. در کتاب‌های قرآن‌محوری همچون معاجم و فرهنگنامه‌ها مانند معجم المفهرس و فرهنگنامه موضوعی قرآن کریم، غالباً مباحث اخلاقی و فضائل و ردائل، با استفاده از حروف الفبا نظم و انسجام بخشی داده شده‌اند.

۲. در کتاب‌های حدیث‌محور همچون «موسوعه نضره النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم» و «میزان الحکمه» و دیگر کتب حدیث‌محور نیز طرح مباحث اخلاقی نظام و روش و یا ترتیب خاصی ندارد. در کتب عرفانی همچون «منازل السائرین» و دیگر کتب عرفانی، ضمن مباحثی مربوط به سیر و سلوک مطرح شده‌اند ضمن اینکه هدف اصلی در عرفان رسیدن به لقاء الهی است و بیشترین تمرکز بر معرفت الله است و کمتر مباحث اخلاقی به صورت نظام‌مند و متحد‌الترتیب بحث شده‌اند.

۳. در کتب اخلاق‌محور مثل «اخلاق در قرآن» آیت‌الله مکارم شیرازی و نیز «اخلاق در قرآن» آیت‌الله مصباح‌یزدی و... و همچنین در کتاب‌هایی که چهار فضیلت و یا پنج فضیلت «شجاعت، عدالت، اعتدال، عفت، حکمت» و در برخی موارد «خداشناسی» را براساس قوای سه‌گانه عقل،



شهوت و غضب، به‌عنوان اساسی‌ترین فضایل اخلاقی بیان کرده‌اند، همچون کتاب‌هایی که براساس نظریات اندیشمندانی همچون «خواجه نصیرالدین طوسی» و «مرحوم نراقی» نوشته شده‌اند، ترتیب درخور توجهی در ارائه فضائل وجود ندارد. ضمن اینکه این نظریه با وجود توجه و استقبال طولانی مدت و فراوان دانشمندان اسلامی، به علت ریشه‌داشتن آن در فلسفه یونان باستان و اندیشه‌های ارسطو و افلاطون و در واقع پایه اسلامی نداشتن آن مورد نقد و تردیدهایی است.

۴. در کتب فقهی نیز اگر امری از فضائل اخلاقی بیان شده باشد، اعم از نماز و عبادات و زکات و غیره به ترتیب و با عناوین خاصی است که فقه تاکنون به همان زبان، روش و ترتیب از آن سخن گفته است.

۵. در خصوص پژوهش‌های نوین نیز رتبه‌بندی‌ها و معیارهای ارائه‌شده تفاوت‌های بنیادی و روشی در ساختار، محتوا و هدف با این نوشتار دارند. برای نمونه در کتاب‌هایی چون «اولویت‌بندی و سلسله مراتب ارزش‌های اخلاقی در قرآن» نوشته دکتر علی رضوانی که کتابی با رویکردی قرآنی است و ارزشمند است سعی شده است به شکل روشمند ارزش‌های اخلاقی استخراج شده و رتبه‌بندی نظام‌مندی از آنها در قرآن پس از بیان مبانی نظری اولویت‌بندی فضایل و رذایل اخلاقی در قرآن کریم ارائه شود؛ اما صرفاً به بررسی شاخص‌های صرفاً صوری و موارد اندک و متفاوتی از شاخص‌های محتوایی (کیفی) اولویت‌بندی فضایل و رذایل اخلاقی در قرآن کریم اکتفا شده است. همچنین پایان‌نامه «بررسی و طبقه‌بندی موضوعی فضائل و رذائل اخلاقی در مثنوی معنوی مولوی»، نوشته معصومه خجسته که در آن سعی شده است با بررسی دفتر پنجم و ششم مثنوی ابیاتی که مضمون اخلاقی مشترک داشته‌اند، به دو دسته فضائل و رذائل تقسیم شوند و عملاً سخنی از معیارهای طبقه‌بندی و یا فضائل بنیادین و اصلی نیست. حتی در مقاله «ساختار نظام‌مند مفاهیم اخلاقی در قرآن کریم»، نوشته محمد جانی‌پور که با استخراج گزاره‌های اخلاقی سوره مبارکه اسراء و با استفاده از روش تحلیل محتوا، سعی در تجزیه و تحلیل و سپس طبقه‌بندی موضوعی قرآن کریم و تبیین مدل چگونگی هدایت افراد و جامعه اسلامی کرده است، محدوده این پژوهش فقط سوره مبارکه اسراء بوده و تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی گزاره‌های اخلاقی این سوره مبارکه در محدوده دو بُعد فردی و اجتماعی است. همچنین مقاله «تعریف فضیلت و سعادت و طبقه‌بندی فضائل و رذائل از دیدگاه ارسطو»، نوشته حسین حقانی‌زنجانی، در واقع بررسی و نقد دیدگاه ارسطو در خصوص ارائه و طبقه‌بندی فضائل اساسی حول عدالت است و البته تلاش خوبی در نقد نظریات ارسطو است.

۶. مکاتب غربی: باتوجه به اهمیت دستاوردهای عقلانی و اینکه یکی از منابع مهم دینی ما عقل است، نمی‌توان حاصل تلاش دیگر صاحبان خرد را نادیده گرفت؛ لذا باتوجه به تفوق فعلی مکاتب غربی بر سایر

مکاتب غیراسلامی و میزان طرفداران و استیلای این فرهنگ و همچنین به دلیل شباهت همه جوامع انسانی به یکدیگر و شباهت چالش‌های انسان‌ها در این جوامع با یکدیگر، لازم است. در کنار تدبیر در قرآن و منابع اسلامی، نگاهی به معیارهای مکاتب پرطرفدار جهان نیز شود؛ چراکه بعید نیست موارد درخور توجهی از آنان نیز کاربرد قرآنی داشته باشند و یا اشارات و نشانه‌هایی به مطلوب داشته باشند.

مهم‌ترین مکاتب اخلاقی جهان فعلاً مکاتبی هستند که در غرب ارائه و تبیین می‌شوند و مهم‌ترین نظریات این مکاتب ذیل مباحث اخلاق هنجاری مطرح هستند عبارتند از: نظریه‌های غایت‌انگارانه (teleological theories)، نظریه‌های وظیفه‌گرایانه (deontological theories) و نظریات فضیلت‌گرایانه (act-deontological theories).

در نظریه‌های غایت‌انگارانه، نظر بر این است که برای بازشناسی کارهای درست از نادرست، خوب از بد و باید‌ها از نبایدها، لازم است به نتیجه کار توجه شود و اینکه میزان خیر و شرّ مترتب بر آن، چه اندازه است. غایت‌انگاران در پاسخ به اینکه چه چیزی خیر و چه چیزی شر است؟ و این خیر و شر را برای چه کسی باید خواست؟ نیز نظریاتی دارند. که البته هرچند غالب غایت‌گرایان لذت‌گرایند و خیر را به خوشی و شر را به رنج تعریف می‌کنند؛ اما برخی سودگرا، قدرت‌گرا، سعادت‌گرا و یا معرفت‌گرا هستند (کاپلستون، تاریخ فلسفه یونان و روم، ۱۳۶۲: ۱۴۷-۱۴۴؛ شیروانی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، ۱۳۷۹: ۶۲).

وظیفه‌گرایان بر آنند که عملی مطلوب و اخلاقی است که وظیفه شناخته شود؛ یعنی مطابق با قانون‌های نوشته و نانوشته‌ای باشند که عرف پذیرفته‌شده جامعه نیز می‌تواند جزو آن باشد. فضیلت‌گرایان معتقدند برخی از ویژگی‌ها و خصایص خود عمل، با قطع نظر از میزان خیری که در پی می‌آورد، می‌تواند آن عمل را خوب، درست و لازم گرداند. مثلاً امانت‌داری کاری عادلانه است، هرچند خیری بر آن مترتب نباشد (همان).

فضیلت‌گرایی از قدیم‌الایام و از سوی فلاسفه بزرگی همچون سقراط، افلاطون و ارسطو به اشکال مختلف تبیین شده است. فضیلت‌گرایی تقریر دین و غیردینی دارد و برخی معتقدند ادیان آسمانی در زمره مکاتب فضیلت‌گرا هستند. پس از جنبش‌های علمی غرب که به تجربه و رفتار توجه ویژه شد و نظام‌های اخلاقی عمل‌محور نظریات مطرح عرصه اخلاق شدند، ناکارآمدی این نظریات و نقدهای فراوانی که بر آنها مطرح شد، موجب شد فلاسفه به این بیندیشند که به نظریات اخلاقی مبتنی بر فضیلت برگردند. لذا امروزه بار دیگر فضیلت‌گرایی البته بیشتر با رویکرد غیردینی و با تفاسیر متعددی که از آن می‌شود، از نظریات مطرح در علم اخلاق است (غفاری باقری و نوع‌پرست، تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا از منظر دیوید کار، ۱۳۸۰).



مسئلاً براساس نظریات و مکاتبی که ذیل غایت‌گرایی شکل گرفته‌اند، معیار فضیلت «نتیجه و برآیند رفتارها» است. لذا هر میزان خیر و نتیجه مطلوب‌تر و اساسی‌تر و یا حتی بنیادی‌تر باشد، عمل اخلاقی نیز مطلوب‌تر، اساسی‌تر و بنیادی‌تر خواهد بود.

براساس نظریات وظیفه‌گرایان، چنان‌که معیار اخلاقی و فضیلت بودن، میزان تناسب آن با وظایف تعیین شده است، لذا لزوماً فضیلتی از دیدگاه ایشان ارزش بنیادی‌تری دارد که بیشترین تناسب را با وظیفه داشته باشد.

از نظر فضیلت‌گرایان، فضائل اخلاقی رفتارهایی هستند که بدون توجه به نتیجه و یا اینکه وظیفه معرفی شوند یا خیر، ارزشمند هستند، لذا معیار بنیادین بودن و معیار برای تشخیص فضیلت بنیادین بودن، تناسب بیشتر این فضائل با فطرت همه‌پسند و عقل جمعی و عرفی بشری است (خندان، «نظریه‌های اخلاق هنجاری و چالش‌های اخلاقی در عرصه مدیریت اطلاعات»، ۱۳۸۹: ۸۷-۱۲۱).

البته نتیجه تلاش‌های اندیشمندان غربی در انتخاب و تمرکز بر فضایل اخلاقی به دلایل متعددی چون تفاوت عمیق مبنایی آنها با مکتب تربیتی - اخلاقی اسلام، استفاده از روش آزمون و خطا، و نوع گزینش فضایل آنها که برخاسته از مسائل روز است و دیگر اختلافات مکتبی چون اختلاف در اهداف تربیت اخلاقی همواره در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی جایگاه محکمی نداشته است و لذا به‌طور قطع، اندیشمندان مسلمان، تمایل بیشتری به استفاده از معیارهایی داشته باشند که پایه قرآنی دارد؛ چراکه:

اولاً قرآن کریم به‌عنوان تنها منبع وحیانی مورد اتفاق نظر همه مسلمانان، بری از هرگونه خطا و اشتباه انسانی و بدون محدودیت زمانی و مکانی برای همه عصرها و زمان‌ها، خود ظرفیت پاسخگویی به تمامی نیازمندی‌های تربیتی انسان، به‌خصوص در ساحت تربیت اخلاقی را دارد.

ثانیاً جامعیت قرآن کریم در مباحث تربیت و اخلاق، اقتضای آن را دارد که در جهت‌گیری‌های کلان تربیتی قرآن کریم منبع اصلی در تربیت جامعه اسلامی باشد.

ثالثاً تعیین معیار تشخیص فضائل بنیادین قرآنی زمینه تربیت اخلاقی قرآن‌محور را فراهم می‌کند و می‌تواند سنجش کمیت و کیفیت و در نهایت میزان درستی و نواقص و معایب احتمالی این مسیر را روشن‌تر بیان کند و این‌گونه تکمیل و تصحیح و در نهایت اگر خدا بخواهد عرضه نظامند آموزه‌های اخلاقی برای آموزش، کاربردی شدن و عملیاتی‌کردن آموزه‌های اخلاقی ممکن‌تر می‌شود.

البته بیان شد که قرآن کریم نه تنها صریحاً رتبه‌ها و درجات خود فضائل را بیان نکرده است که معیارها و شاخصه‌هایی نیز برای رتبه‌بندی و یا اهم و مهم کردن فضائل صراحتاً بیان نکرده است. چنان‌که بیان شد متأسفانه تحقیقات کافی نیز مخصوصاً با رویکرد قرآنی، در این زمینه انجام نشده است؛ لذاست که این پژوهش در راستای دستیابی به این هدف که «چه معیارهایی برای گزینش فضائل بنیادین از قرآن کریم قابل ارائه است؟ و بر چه اساسی؟» با رویکردی میان‌رشته‌ای در متن قرآن با گردآوری اطلاعات به روش فیش‌برداری و تحلیل داده‌ها به روش کیفی و یا به تعبیری توصیفی - تحلیلی به دنبال دستیابی به معیارهایی است که بتوانند متمایز کننده فضائل بنیادین از دیگر فضائل باشد.

الف. مفهوم‌شناسی

مهم‌ترین واژگان کلیدی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. معیار

معیار به معنای «اندازه، پیمانه، وسیله‌ای که بدان چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند (معین؛ شهیدی؛ دهخدا؛ احمدی گیوی، ۱۳۴۱)، مقیاس و آلت سنجش، سنگ محک و ترازو برای سنجش زر (معین و دیگران، ۱۳۴۱) و مترادف ضابطه، ملاک و سند» (خداپرستی، فرهنگ معارف انگلیسی - فارسی، ۱۳۸۵) است. در انگلیسی معادل «criterion and standard» است که در کاربرد و اصطلاح، معنای جدید خاصی به خود نگرفته است لذا نیاز به طرح معنای اصطلاحی ندارد و در این نوشتار معادل ملاک، ضابطه و مقیاس استفاده می‌شود. باتوجه به مفهوم معیار، منظور این پژوهش از معیارهای فضائل بنیادین در قرآن کریم این است که مقیاس و ضوابطی برای تعیین فضائلی ارائه شود که از اهمیت بنیادینی برخوردار هستند.

۲. فضائل

فضائل جمع «فضیلت»، واژه‌ای عربی از ریشه «فضل» است که دلالت بر خیر و زیادت در چیزی دارد (ابن فارس، معجم مقانیس اللغة، ۱۴۰۴: ۵۰۸/۴). بر این اساس «فضیلت» خلاف نقیصه (جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱۴۱۰: ۱۷۹۱/۵) و مترادف «معروف» (راغب‌اصفهانى، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۵۶۱؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۴۳/۷؛ صاحب‌بن‌عباد، المحیط فی اللغة، ۱۴۱۴: ۲۱/۸)، درجه و رفعت در فضل (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۴۴/۷) معنا شده است. فضیلت در فارسی، معادل رجحان، برتری و مزیت است (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، واژه فضیلت).



۳. بنیادین

بنیادین از ریشه «بنیاد» به معنای «بیخ، پایه، اصل، شالوده، بناکردن، شالوده‌ریختن. آغازکردن، دست به کاری زدن و آغازکردن است.» (معین، فرهنگ معین، واژه بنیادین؛ عمید، فرهنگ عمید، واژه بنیادین) که می‌توان آن را مترادف «اساسی، اصلی، بنیادی، رادیکال، ریشه‌ای» و «مخالف سطحی» دانست (خداپرستی، فرهنگ معارف انگلیسی - فارسی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین یک امر بنیادین «امری اساسی و مهم است که استوانه و پایه برای امور دیگری» باشد. چنان‌که فضائل رابطه سازواره‌ای با هم دارند، فضیلت بنیادین فضیلتی است که مرتبط با فضائل متعدد بوده، در خلال روابط و مقامات مختلف و با میزان عملکردهای انسان شکل می‌گیرند؛ به‌نوعی که نه مجزای از هم هستند و نه منطبق برهم، برخی مقدمه برخی دیگر و برخی مکمل یکدیگر هستند. حتی فضیلتی گاه زمینه فضیلت دیگر است و در مواقعی و در شرایطی نتیجه و هدف همان فضیلت و یا فضیلت دیگر، البته در مرتبه‌ای دیگر است. به‌عنوان نمونه شناخت خداوند متعال لازمه تمسک به دین الهی و فرامین اوست؛ ولی از آن طرف دین، خود منبع شناخت صحیح خداوند متعال است و شناخت درست خداوند نیازمند درک و شناخت و تمسک به دین است یا ایمان به خداوند موجب درک درست از عالم طبیعت است و از طرفی آیات الهی در طبیعت ایمان‌افزا هستند. پس فضائل این ساحت که همچون یک ریسمان واحد و تعالی‌بخش به نظر می‌رسند، خود در واقع سازواره‌ای است که متشکل از انواعی فضائل است که ارتباط چندبعدی با یکدیگر دارند.

این پژوهش در متن قرآن کریم به‌دنبال «معیارهایی برای تشخیص بنیادی‌ترین افعال ارزشی است که به مقتضای ارتباطات و شئون مختلف زندگی انسان، اساس شخصیت او را به‌خوبی بسازند و این‌گونه زمینه‌ساز تعالی و تکامل او را فراهم آورند.

ب. شرایط و اصول حاکم بر معیارهای گزینش فضائل بنیادین قرآنی

باتوجه به رویکرد قرآنی این نوشتار و به دلیل شبهات و نقدهایی که در خصوص فضائل اساسی گزینش شده توسط قدامی اخلاق مطرح شده و نقدهایی که لزوماً در خصوص معیارهای گزینش این فضائل وجود داشت و همین‌طور نقدهایی که بر فضائلی که براساس مکاتب جدید مطرح شده است و باتوجه به پیشینه مطرح شده در این خصوص، اهمیت مراجعه به خود قرآن کریم که منبعی جامع و بی‌خدشه است، به‌خوبی مشخص است؛ بنابراین باتوجه به این رویکرد، شرایط و ویژگی‌های معیارهای گزینش فضائل بنیادین براساس بررسی‌های درون‌متنی و برون‌متنی این نوشتار عبارت‌اند از:

۱. اصل اصالت معیارهای درون متنی

از آنجایی که معیارهای کشف فضائل بنیادین معیارهایی قرآنی است؛ لذا مهم ترین اصل قرآنی بودن و انتساب درون متنی داشتن آنهاست این اصل نفی کننده معیارهایی است که صرفاً از دلالت های غیر قرآنی قابل استفاده باشند.

۲. کاشفیت از وصف بنیادین

این فضائل می بایست کاشفیت کافی برای استخراج فضائل بنیادین را داشته باشند، بدین منظور می بایست اولاً به دنبال نشانه هایی از اهتمامات قرآنی بود؛ چراکه قطعاً فضائل بنیادین فضائلی مهم در سازواره فضائل اخلاقی هستند و این اهمیت و اهتمام به اشکال مختلف در قرآن کریم بیان شده است؛ همانند: «بیان در قالب انواع قالب های تأکیدی، اعم از تأکیدات ساختاری و محتوایی، محبوبیت در نزد خداوند و یا بیان به عنوان ویژگی های ممتاز افراد برجسته قرآنی» و ثانیاً نشانی از ترجیح مندی داشته باشند؛ چراکه قطعاً این فضائل بر دیگر فضائل رجحان دارند. موارد زیر می تواند نشانه های خوبی بر این امر باشند: «فراوانی سخن گفتن از آن در قرآن کریم که بیانگر وجود مطالب بیشتر در خصوص این فضائل است، بیان آثار مهم دنیوی و اخروی همانند فلاح و سعادت ابدی و...، امر و خواست جدی خداوند متعال، تذکر مبنی بر اینکه مقربان درگاه الهی بر این فضیلت اصرار و یا تمسک داشته اند و تقابل با رذائلی با آثار و پیامدهای وخیم». ضمن اینکه به دلیل اینکه فضائل بنیادین فضائلی اساسی و قوام بخش سازواره فضائل اخلاقی هستند. این معیارها باید کاشف از فضائلی باشند که هدف و درعین حال مقدمه و هم نشین فضائل متعدد باشند؛ یعنی هدف برنامه های تربیتی قرآنی باشند و از طرفی ارتباط جانشینی و هم نشینی متعددی با فضائل دیگر داشته باشند.

۳. مؤید بودن معیارهای روایی

از آنجایی که استنباط هایی که براساس منابع دینی حاصل می شود، منافاتی با یکدیگر ندارند و در واقع مکمل یکدیگر هستند. روایات معصومین علیهم السلام یعنی سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام که با فرمان الهی در قرآن کریم با تعبیر متعددی چون «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹) یا «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) و «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵) و دیگر آیات و همچنین روایات متعدد بر اطاعت از ایشان تأکید شده است، مکمل دلالت های قرآنی هستند چنان که در استنباطات دینی همواره غالب بزرگان و اندیشمندان دینی برای تکمیل استنباط های خود در کنار قرآن کریم برای اطمینان به درستی استنباط های قرآنی خود و مصونیت از تفسیر به رأی و یا تحمیل بر قرآن، تا حدود درخور توجهی از روایات و سنت نیز بهره برده اند.



لذاست که روایات می‌توانند معیارهای مکمل خوبی برای گزینش فضائل بنیادین داشته باشند؛ چنان‌که از حضرت امام سجاد (ع) نقل شده است که: «إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ مَا عُمِلَ بِالسُّنَّةِ وَإِنْ قَلَّ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۷۰/۱)؛ همانا برترین اعمال آن چیزی است که مطابق سنت باشد؛ حتی اگر اندک باشد. «البته باید اذعان داشت که به‌علت مصون نبودن روایت از کم و زیاد شدن، تحریف و یا حتی جعل، میزان و درصود توجه روایات به یک فضیلت و یا سخن نگفتن از فضائل دیگر نمی‌تواند دلیل موجهی بر ترجیح‌مندی و یا بی‌توجهی معصومین به فضیلتی باشد. بنابراین با وجود اینکه روایان شیعی با تأکید معصومین (ع) بر نگارش روایات و عرضه آنها به معصومین و تقابل این نوشتارها با یکدیگر نهایت سعی را بر صیانت روایات داشته‌اند، به‌گونه‌ای که حتی در همین راستا جوامع مختلف روایی در طول سال‌ها شکل گرفتند و از همان زمان ائمه معصوم (ع) سخت‌گیری فراوان در خصوص پذیرش شخصیت روایان و یا اجازه‌دادن نقل روایت داشتند، باز نمی‌توان به‌عنوان دلالتی کامل بر ترجیح‌بندی فضائل به روایات به‌عنوان دلالت تامه تمسک کرد.

بنابراین لازم است اولاً برای محروم نبودن از برکات این منابع غنی و ارزنده و ثانیاً برای حفظ اصالت قرآنی یافته‌ها، بعد از بررسی‌ها و گزینش‌های اولیه، به‌عنوان معیارهای تکمیلی از دلالت‌های روایات نیز برای رعایت صحت و تقسم یافته‌ها استفاده شود.

۴. مؤید بودن دلالت‌های عقلی

دستاوردهای عقلا و اندیشمندان عالم در مکاتب مختلف اخلاقی، از گذشته تا حال، به‌خصوص اهم و مهم کردن و گزینش برخی از فضائل، چنان‌که بیان شد، هرچند گرفتار نقص‌ها و اشتباهات زیادی بوده و هستند؛ اما در کنار قرآن کریم مفید و کارگشا هستند. حقیقت این است که این مکاتب و معیارهای عقلانی در تنافی با معیارهای قرآنی نیستند؛ بلکه آثار، نشانه‌ها و حتی وجوه کامل‌تری از آنها در معیارهای قرآن کریم وجود دارد. بدین شرح:

یک. مکاتب گذشته

در میان مکاتب گذشته، مهم‌ترین مکتبی که مورد پذیرش اندیشمندان بزرگ اسلامی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و مرحوم نراقی و بسیاری دیگر از بزرگان اخلاق اسلامی بوده است و کتاب‌های مختلفی بر پایه این مکاتب در جوامع اسلامی و غیراسلامی نوشته شده است، مکتبی است که براساس نظریه‌های «ارسطو» مطرح شده است. این مکتب که پیروان فراوانی در میان قدماء اسلامی و غیراسلامی دارد، چند فضیلت خاص را به‌عنوان فضائل اساسی معرفی کرده است و معیار این گزینش را قوای سه‌گانه انسان معرفی کرده است. از آنجایی که این معیار برگرفته از رویکرد درون‌نگرانه‌ای است

که در غالب نظریات علوم انسانی قبل از جنبش علمی و تجربه‌گرایی، قرن‌ها حاکمیت بلامنازع در جهان داشته است، به‌نوعی معیاری بلامنازع بوده است که با نگاه به درون و بررسی بن‌مایه‌های انگیزشی انسان بوده است و نتایج آن نیز فرامذهبی بوده، قرن‌ها مورد پذیرش مکاتب مختلف اسلامی و غیراسلامی بوده است؛ چنان‌که بیان شد، از آنجایی که این مکتب خواستگاه غیرقرآنی، بلکه غیردینی داشته است و تقسیم قوا به این قوای سه‌گانه توجیه قرآنی ندارد، این معیار نمی‌تواند به‌عنوان معیارهای قرآنی برای گزینش فضائل بنیادین مورد استفاده قرار گیرد.

دو. مکاتب متأخر در غرب

مکاتب مختلفی در جهان در خصوص اخلاقیات وجود داشته و دارد؛ اما به علت سیطره علمی و فرهنگی امروزه غرب که موجب از بین رفتن، هضم شدن و یا تلفیق یافتن بسیاری از آنها با مکاتب غربی شده است؛ آنچه امروزه در سراسر عالم دیده می‌شود، شهرت سه مکتب کلی است که مکاتب متعدد جزئی دیگر را در ضمن خود دارند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مکاتب با تفاوت‌هایی جزئی، در واقع ذیل همین سه مکتب قرار دارند. این مکاتب در یک نگاه کلی عبارتند از:

۱. غایت‌گرایی: که سخن از غایت و آثار و نتایج دارد و در ضمن بیان معیار قرآنی بیان آثار و نتایج دنیوی و اخروی مناسب و شوق‌انگیز، مطرح می‌شود، اعم از آثار لذت‌بخش، قدرت‌آفرین و یا هر نتیجه‌شور انگیز و مطلوبی که مطلوب مکاتب مختلف غایت‌گرایی نیز می‌تواند باشد. البته باتوجه‌به رویکرد آخرت‌گرای قرآن کریم، آثار و پیامدهای مطلوب مربوط به آخرت سعادت‌مندانه انسان است و اگر آثار و نتایج خوشایند دنیوی نیز مطلوب بیان شده است، به‌علت تأثیری که بر بُعد معنوی انسان دارد و لذا لزوماً همان آثار و نتایج مطلوب مکاتب مادی‌گرای نمی‌توانند باشند.

۲. وظیفه‌گرایی: که سخن از وظیفه دارد باتوجه‌به نقش رضا و خواست خداوند در تعیین وظیفه اخلاقی در مکتب اسلام، ذیل عنوان «خواست صریح خداوند» مطرح است؛ چراکه این عنوان وظیفه‌گرایی اسلامی را پوشش می‌دهد؛ البته که باتوجه‌به قصد تعیین فضائل بنیادین و برای کشف اهتمام الهی از یک قانون و یا وظیفه، قید صریح در کنار خواست الهی به‌عنوان کامل‌کننده دلالت ذکر شده است.

۳. فضیلت‌گرایی: چنان‌که پیروان این مکتب معیار فضیلت را ارزش خود عمل می‌دانند و به اموری از قبیل «صفت درونی»، «عادت و تمرین»، «انگیزه» و «پایه‌ای بودن برخی خصائص» تأکید دارند (دبیری، «فضیلت‌گرایی در اخلاق»، ۱۳۸۹: ۵)، با پذیرفتن فضائل فرارفتاری اعم از شناختی و گرایشی که پوشش‌دهنده صفت درونی هستند و معیارهایی چون فراوانی در قرآن کریم که به‌نوعی



عادت و تمرین را نیز شامل می‌شوند و یا قید «فطری» و یا «پسند همگانی» که بر پایه‌ای بودن خصائص دلالت دارند، به‌نوعی مهم‌ترین معیارهای مکاتب شاخص فضیلت‌گرا می‌توان این معیارهای عقلی را در کاربستی قرآنی به شکل جامع‌تر ملاحظه کرد.

ج. انواع معیارهای گزینش فضائل بنیادین

باتوجه به این شرایط، معیارهای گزینش فضائل بنیادین قرآنی در یک دسته‌بندی کلی عبارت‌اند از:

۱. فراوانی، گستردگی و تنوع بیان فضیلت

هرچند این معیار نیز همانند دیگر معیارها و بلکه بیشتر از آنها به‌تنهایی دلالت تامی بر بنیادین بودن فضیلت ندارد؛ اما نباید از عظمت تأثیر و دلالت‌های آن غافل شد؛ چراکه تکرار انسجام‌دهنده (غلامحسین‌زاده و نوروزی، نقش تکرار آوایی در انسجام واژگان شعر عروضی فارسی، ۱۳۸۹: ۲۵۱-۲۸۲)، بلکه اساس و بنیاد موسیقی کلام است و نه تنها ابزاری برای ابداع و خلق در هنر و ادبیات است که از عناصر بنیادین در نظام آفرینش است، به‌گونه‌ای که این عالم طبیعت از تپش قلب و ضربان آن تا آمدوشد شب و روز و توالی فضول، همواره با انواع و نمودهایی از تکرارهای متنوع به زیبایی شعر سرشار از موسیقی و نظم و یکپارچگی شده است (اویسی کهخا و همکاران، تکرار و ارزش‌های بلاغی آن در شعر فرخی سیستانی، ۱۳۹۳: ۶۶). در کنار این ویژگی تکرار و دیگر آثار و محاسنی که دارد، دلالت تکلیف، تکرار و فراوانی بر اهتمام بر یک امر و تأثیر شگرف و بی‌بدیل آن در امر یادگیری، امری بدیهی است (کمرخانی و شفیع، بررسی تأثیر تکالیف بر یادگیری متربی، ۱۳۹۹: ۵۹)؛ به‌گونه‌ای که قدمت توجه به آن در امر تربیت و آموزش، به قدمت انسان و رشد و تعالی اوست؛ چراکه از پیش‌پاافتاده‌ترین تا پیچیده‌ترین امور رشدی انسان به‌وسیله تکرار وارد حافظه بلندمدت و بعد وارد فرایند ناخودآگاه ذهن شده‌اند؛ یعنی فعالیت‌هایی مثل راه‌رفتن، سخن‌گفتن و بسیاری از اموری که ما الان به‌راحتی و بدون فکرکردن انجام می‌دهیم، در روزگاری به‌سختی و با تمرین و تکرار یاد گرفته‌ایم و با مداومت بر تکرار آنها، الان مغز ما بدون اینکه ما متوجه باشیم آنها را به‌راحتی انجام می‌دهد. هرچند در گذشته برای استفاده از خاصیت تکرار در یادگیری، روش‌های نامناسبی نیز اعمال می‌شد، لذا بسیاری از ما خاطرات خوبی از برخی تکرارها و تمرین‌ها در گذشته نداریم؛ برای مثال مشق‌های زیاد شب، تکرار و حفظ مطالب کتاب‌های درسی بدون درک معنا و یا فایده و نتیجه آنها، دورانی را تداعی می‌کند که به بهانه تأثیر تکرار، یادگیری سخت و رنج‌آور می‌شد؛ اما به لطف هوشمندی دلسوزان و متصدیان امر تعلیم و تربیت، امروزه این روش در بوته نقد، برازنده‌تر و مناسب‌تر از گذشته شده است و

جوانب و شرایط آن بررسی شده و روش‌های متعددی برای اعمال آن معرفی و اعمال می‌شود. برای مثال امروزه کشف شده است که تکرار فقط موجب تثبیت یادگیری نیست، هرچند تثبیت حافظه و یادگیری مهم‌ترین خاصیت تکرار است؛ اما علاوه بر آن کشف شده است که نتیجه هر تکرار، بالابردن سطح هوشیاری و آگاهی نیز هست. فرد، پس از بارها تکرار و توجه به یک تفکر، آموزش و مطلب، درواقع به خود کمک می‌کند که خود را به سطح آگاهی و هوشیاری بالاتری برساند. در این حالت فرد سعی بر این دارد که سهم زیادی از سطح آگاهی و هوشیاری نویسنده یا مربی و آموزش‌دهنده را برده و یا حتی گاهی اوقات با تکرار فراوان و تفکر عمیق بر روی آموزش مورد نظر، به سطح آگاهی و هوشیاری بالاتری نسبت به وی، دست یابد؛ لذاست که امروزه بیش‌ازپیش ارزش تکرار و فراوانی در عرضه اطلاعات در کیفیت بخشی یادگیری و یادسپاری و حتی انگیزه بخشی و عملیاتی شدن اطلاعات مورد توجه واقع شده است. برخی از مهم‌ترین یافته‌های مفیدی که در تکرار مطلوب لازم است رعایت شوند، عبارت‌اند از:

نخست: لزوم رعایت کردن فاصله‌های زمانی مشخص، چراکه دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که مغز ما برای تحلیل و پردازش مطالب، به زمان نیاز دارد تا یاخته‌های عصبی مستحکم شوند و در نهایت مطالب به ذهن بچسبد. این عملکرد مغز شبیه به این مثال است که برای ساختن یک دیوار آجری، اگر آجرها به سرعت روی هم گذاشته شود، به طور حتم، دیوار شکننده‌ای خواهیم داشت؛ اما اگر با حوصله، بین دو آجر، ملات قرار گیرد، آجرها محکم به یکدیگر می‌چسبند و دیواری سفت و محکم را تشکیل می‌دهند. تکنیک «تکرار در فواصل زمانی مشخص» (دانیون) که براساس نمودار فراموشی هرمان ابینگ‌هاوس برای یادگیری بهتر به اشکال مختلف توصیه می‌شود، بیانگر ضرورت تکرار است؛ چراکه هر فاصله زمانی میان دو تکرار، همانند ملات عمل می‌کند و باعث می‌شود که مطلب در ذهنتان محکم و جاگیر شود. البته در خصوص اینکه فاصله بین هر تکرار چه میزان باید باشد، زمان‌ها و پیشنهادها مختلف، ولی نزدیک به هم گفته شده است (جاجرمی و همکاران، «بررسی تعداد مؤثر تکرار واژه در یادگیری واژگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در پرتو الگوی هیجامند»، ۱۴۰۰: ۱-۲۶)؛ امری که در قرآن کریم به زیباترین و متنوع‌ترین شکل که نماینده شأنی از شئون اعجاز قرآن است، اعمال شده است (ساروی، فواید به کارگیری الفاظ مکرر در قرآن، ۱۳۹۵: ۱۵۶/۱۸۷-۲۰۸). برای مثال نمونه‌ای از «Spaced repetition» یا تکرار در فاصله‌های زمانی مشخص! که فعلاً بهترین و قدرتمندترین روش برای یادگیری شناخته شده است، در عبارت شریفه ذیل به کار رفته است: ﴿تَلْکَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ﴾ (بقره/۱۴۱-۱۳۴)؛ آن



جماعت را روزگار سپری شد. برای ایشان است آنچه به دست آورده‌اند؛ و برای شماست آنچه به دست آورده‌اید؛ و از آنچه آنان می‌کرده‌اند، شما بازخواست نخواهید شد.» این آیه شریفه دو بار و دو موقعیت در سوره بقره آیات ۱۳۴ و ۱۴۱ یعنی بافاصله تکرار شده است. به‌طور قطع، نظر متکلم بر تثبیت و مستحکم کردن آن مطلب در ذهن مخاطب است و این می‌تواند دلالت خوبی باشد بر اینکه بتوان ادعا کرد فضائلی که این عبارت شریفه بیان کرده است؛ یعنی در خصوص لوازم اطلاعات این آیه شریفه یعنی «جاودانه شدن انسان‌هایی که از دنیا رفته‌اند و اینکه دست‌آوردهای آنها همراه آنهاست» می‌توان نتیجه گرفت فضیلتی که قرآن کریم اهتمام دارد تا انسان را متوجه و راغب به آن نماید «تلاش برای کسب دست‌آوردهای مناسب برای زندگی جاودانه خود» است.

دوم، لزوم همراهی تکرار با سعی در درک معنا و تصویرسازی و تلاش مجدد در برقراری ارتباط میان اطلاعات جدید با آموخته‌های گذشته، چراکه تا زمانی که اطلاعات جدید با اطلاعاتی که از گذشته داشته‌اید، ارتباط نزدیک معنایی برقرار نکند، چیز جدیدی آموخته نمی‌شود؛ یعنی تکرار بدون توجه و دقت، کمکی به یادگیری نخواهد کرد. زمانی که مطالعه به یک فعالیت کسل‌کننده تبدیل شود و یا زمانی که فرد به‌صورت موقت علاقه خود نسبت به آن را از دست دهد، مغز وی دقیقاً مانند کامپیوتری است که در حالت محافظ صفحه نمایش (Screensaver) قرار می‌گیرد؛ یعنی فعالیت خاصی انجام نمی‌دهد. در این حالت، حتی اگر فرد، به تکرار کردن ادامه دهد، تأثیری در یادگیری وی نخواهد داشت. به همین دلیل است که تکرارهای قرآنی بسیار متنوع است که گاه در ضمن داستان‌های مختلف بیان می‌شود و گاه با تفاوت‌های محتوایی، ساختاری و یا موسیقایی در عین تکرار یک مفهوم باز بدیع، ناب و جذاب هستند و کسالت‌آور نیستند (سامانه آموزشی دانیون، تأثیر تمرین و تکرار در یادگیری، ۱۳۹۹).

سوم، تنوع عبارات و کلماتی که دلالت بر این فضیلت دارند. این نوع از تکرار نه تنها تا حدودی زیادی خواص و تأثیرات تکرار لفظی را دارد که کیفیت درک را نیز بیشتر می‌کند. لذاست که در کنار آثاری و حکمت‌های متعددی همچون «تأکید، تقریر، تعظیم و تهویل، وعید و تهدید، افزایش مقبولیت کلام، کاستن از خطر فراموشی آن، دفع انواع توهّمات، فهم ابعاد مختلف آن، مدح، تعجب، مبالغه در حسن و یا قبح آن، استبعاد، ایجاد زمینه بهتر برای تدبر» (دائرةالمعارف قرآن کریم، بی‌تا)، حقیقتاً اختصاص آیات متعدد به سخن گفتن از یک فضیلت، لزوماً موجب می‌شود نکات، توضیحات، آثار و نتایج بیشتری در خصوص آن بیان شود و این خود امتیازی خاص در تربیت است. لذا چنان‌که امروزه بررسی‌های کمی و کشف میزان فراوانی، یکی از روش‌های مهم و کارآمد در پژوهش‌های میدانی است

که می‌تواند باتوجه‌به موضوعش، کاشف از مسائل متعددی باشد. این امر در متن قرآن کریم نیز که از هر گونه زیاده‌گویی و کاستی میرا بوده، تک‌تک حروف و کلماتش با علمی الهی و به‌صورت اعجاز‌آمیز در کنار هم چیده شده، قطعاً خالی از معنا و دلالت نبوده، در کنار دیگر دلالت‌ها، بیانگر نکات و معانی متعدد و شگرف است؛ لذا همچون دیگر بررسی‌های کمی، در کنار تحلیل و روش کیفی، استفاده از جداول آماری و فراوانی برای ارائه نتایج و بررسی‌های ملموس‌تر و کامل‌تر توصیه می‌شود. این فراوانی‌ها می‌توانند مربوط به فراوانی خود فضیلت در قرآن، فراوانی مفاهیم مترادف آن، فراوانی آثار آن، فراوانی ارتباط آن با دیگر فضائل و غیره باشد.

۲. خواست جدی و صریح خداوند متعال

نه‌تنها شرط فضیلت بودن یک رفتار در جهان‌بینی اسلامی و قرآنی خداپسندبودن آن است که شاید بتوان گفت باتوجه‌به گستره فراوان فضائل قرآنی، مهم‌ترین قرینه بر اهمیت تحقق یک فضیلت و یا به تعبیری تأکید خداوند بر فضیلتی، قرینه‌هایی است که بر خواست صریح آن فضیلت در نزد خداوند متعال دلالت دارند. این قرائن شامل امور مختلفی می‌شوند؛ گاه این خواست با استفاده از مفاهیمی چون «طلب، اراده، امر، مشیت و غیره» بیان می‌شود؛ همانند فضیلت عدل و احسان در عبارت شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى﴾ (نحل/ ۹۰) «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد.» یا همانند این عبارت شریفه ﴿وَاللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُثَوِّبَ عَلَيْكُمْ﴾ (نساء/ ۲۷) «خدا می‌خواهد پاکی شما را» و گاه بیان امر مطلوب در قالب «ساختاری طلبی» است؛ همانند ﴿فَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (روم/ ۳۸) «پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه‌ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.» (خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۱: ۶۱ تا ۷۱). صیغه امر دلالت بر خواست جدی و صریح خداوند دارد (همان: ۶۳ و ۷۰)؛ البته باید اذعان داشت که برای کاستن از گستره پژوهش برای کشف این امتیاز، فقط به برخورداری از ساختار طلبی اکتفا شده است.

۳. تبیین آن به‌عنوان ویژگی برجسته الگوهای قرآنی

تأثیر افراد شاخص در شخصیت حامیان و طرفداران آنها امری بدیهی است و شاید برخی گمان کنند طرفدار داشتن و به‌اصطلاح امروزی «فالورها» پدیده قرن جدید و نتیجه فضای مجازی است حال آنکه ویژگی الگوپذیری انسان امری به قدمت تاریخ بشر دارد و شاید بتوان گفت نظریه یادگیری اجتماعی بندورا که بر تأثیر مشاهده و تقلید تأکید دارد از مهم‌ترین نظریات یادگیری است. یکی از



الگوها که نماد مبارزه با ظلم و ستم و منکرات و زشتی‌هاست حضرت امام حسین (علیه السلام) است که انقلاب‌های مختلف در تاسی به آن حضرت در میان هوادارانش در طی قرن‌ها اتفاق افتاده و رشادت‌ها و دلیری‌ها و جان‌فشانی‌ها در این راه شده است. در قرآن کریم نیز افراد شاخص و تأثیر آنها در منش و رفتار دیگر انسان‌ها مورد توجه بوده است. قرآن کریم خود الگوهایی همچون پیامبران و دیگر برگزیدگان خود را معرفی کرده است، برای جلب توجهات به آنها حکایات و قصه‌هایی از آنها تعریف کرده و شخصیت ممتاز آنها را با اشکال مختلف و متمایز با دیگران و حتی یکدیگر معرفی کرده است. از همه مهم‌تر در طول این الگوسازی‌ها همواره ویژگی‌هایی را از میان تعداد کثیری از فضائل این بزرگواران در ایشان برجسته کرده است که مسلماً برای تحقق الگوشدن آنها و الگوگیری مورد نظر خداوند متعال است. قطعاً این روش در ارائه فضائل خود یکی از مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که می‌تواند پرده از فضائل ممتاز و اصلی بردارد که مورد اهتمام خداوند متعال است و برای آن‌ها برنامه‌ریزی شده است. به عنوان نمونه فضیلت «ایمان» یکی از فضائل بنیادین است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که در قرآن کریم اسوه حسنه معرفی شده‌اند (احزاب/۲۱) این گونه متخلق به آن معرفی شده‌اند «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ...» (بقره/۲۸۵).

۴. برخورداری از آثار و پیامدهای سعادت‌مندانه

نیازها و خواسته‌های فطری و غریزی انسان همواره موتور محرک انسان بوده است؛ چنان‌که مکاتب مختلف اخلاق هنجاری همه حول محور همین نیازها و خواسته‌ها شکل گرفته‌اند؛ یعنی سودگرایی و قدرت‌گرایی که در واقع ریشه در کمال‌خواهی و رشد و فزونی طلبی انسان دارد و غایت‌گرایی یا به تعبیری آینده‌نگری که ریشه در لذت‌گرایی دارند، همه جنود و لشکریان درونی و یا به تعبیری اسبابی هستند که خداوند متعال در وجود انسان قرار داده است تا انسان بتواند پویا و کمال طلب باشد و امیالش او را به حرکت در آورد تا بالاخره حقیقت، بهشت و سعادت را دریابد؛ امری که در هرم روانی آیت الله مصباح‌یزدی تا حدودی قابل تبیین است.

در همین راستا قرآن کریم با بیان آثار و عواقب دلپذیر و یا ناخوشایند چراغی فراروی روح لذت‌جو، سودگرا و قدرت‌طلب انسان قرار داده است و از میزان اثرگذاری این خواسته‌ها که موتور قدرتمندی برای انگیزش‌های آدمی هستند برای هدایت و تعالی بخشی به انسان استفاده کرده است. مشخص است که اهتمام بر بیان آثار و نتایج و خلاصه مصالحی که نفس انسان به دنبال آن است و همچنین بیان بزرگی این آثار بیانگر میزان اهتمام بر ایجاد انگیزه در مسیر فضیلتی است که به این شیوه اهمیت و ارزشش

بیان شده است. برای مثال درخصوص نتیجه فضیلت امر به معروف و نهی از منکر آمده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴) «و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.» در این آیه شریفه بیان فایده و نتیجه «امر به معروف و نهی از منکر» که همان «فلاح و رستگاری» معرفی شده است، می تواند انگیزه خوبی برای انسان خداپاور و سعادت طلب ایجاد کند تا اقدام به این رفتار ارزشی داشته باشد.

در عبارت دیگری در خصوص آخرت طلبی در مقابل دنیاگرایی و اهمیت و نتیجه فضیلت شکر آمده است: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُوَجَّلًا وَمَنْ يَرِثْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يَرِثْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَتَجْزِي الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/ ۱۴۵) «و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد. [خداوند، مرگ را] به عنوان سرنوشتی معین [مقرر کرده است]. و هرکه پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم؛ و هرکه پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می دهیم، و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.» جزایی «شاكران» وعده داده شده است که نزدیک است. و یا برای فضیلت «صبر» بهتر از خود عمل وعده داده شده است. در سورة نحل می خوانیم: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/ ۹۶)؛ «آنچه پیش شماست، تمام می شود و آنچه پیش خداست، پایدار است، و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می کردند، پاداش خواهیم داد.»

هرچند در بسیاری از موارد تعابیر، نوع و جنس پاداش های قرآنی متفاوت با اموری است که دنیا طلبان، طالب آنها هستند؛ اما همین امور برای انسان باورمند به قیامت، پاداش هایی ارزنده و شورانگیز است. برخی از این آثار مهم عبارت اند از: «رهایی از ظلمات و رفتن به سوی نور، خروج و یا دور شدن از جهنم، هم رنگ شدن با خداوند متعال، فلاح، فوز، بهشت، جاودانگی در نعمت های بهشتی، خانه ها و باغ های بهشتی، اجر و پاداش، نصرت و یاری الهی، تضعیف دشمنان، عزت و سربلندی و غیره.

د. هدف برنامه های الهی

استحکام هر بنایی به استحکام پایه های آن است؛ لذاست که معمولاً یک بنا در ساخت یک بنا از محکم ترین مواد برای ساخت پایه ها و ستون های یک بنا استفاده می کند و بر آن اهتمام دارد. برای یک مربی نیز معمولاً هر میزان ارزش یک موضوع تربیتی بیشتر باشد، برنامه هایی با کارآیی بهتر را انتخاب می کند، هرچند این برنامه ها پرهزینه باشد. حال در قرآن کریم این کتاب تربیت الهی گاه ابراز شده



است که فلان برنامه پرهزینه و یا به تعبیری سنگین برای تحقق و عملیاتی‌شدن فلان فضیلت اعمال شده است. مسلماً اقتضای عمل حکیمانه این است که هدف این برنامه سنگین ارزش والایی داشته باشد. برای مثال وقتی در قرآن کریم هدف از آزمون‌های سخت الهی، سنجش ایمان بیان می‌شود: ﴿إِنْ يُمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ ...﴾ (آل عمران/ ۱۴۰) «اگر به شما جراحتهی رسید، به آن جمعیت نیز (جراحتهی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم؛ (و این خاصیت زندگی دنیاست) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند (و شناخته شوند).» سختی جراحات و جنگ که می‌تواند موجب ازدست‌رفتن زندگی شود و خطر مرگ و ازدست‌رفتن تمام فرصت‌های کمال باشد، فقط برای کشف میزان فضیلت ایمان، نشان از ارزش اساسی فضیلت ایمان دارد.

۱. استفاده از ساختار و یا محتوای تأکیدی

چنان‌که در زبان فارسی ترجیح‌مندی و ارزشمندی امور می‌تواند با ساختارها، کلمات و یا عبارات متفاوت بیان شوند، این امور عبارت‌اند از:

الف. حروف تأکید: «أَنَّ وَ إِنَّ» (حروف مشبّهه بالفعل)، سین و سوف (حروف تنفیس)، ادات تنبیه و تحضیض (ألا، أما، ها و یا)، انواع لام تأکید، نون تأکید، قد، أما شرطیه و حروف زائد.

ب. ساختارهای کلماتی همچون: «انواع طلب، صفت مشبّهه، صیغه مبالغه و افعال تفضیل».

ج. ساختارهای جملات همانند: «همراهی با حصر، قسم، ضمیر شأن یا قصه، ضمیر فصل، نفی عموم (نفی جنس و نکره در سیاق نفی)»، اشتغال، خروج کلام از مقتضای عادی، عدول از جمله انشائی به جمله خبری و برعکس، عدول از زمان‌های ماضی و مضارع به یکدیگر، دلالت بر عموم، قرارگرفتن اسم ظاهر به جای ضمیر و برعکس، التفات، تغلیب، قلب، عدول از امر به استفهام (استفهام انکاری و توبیخی)، تنزیل و اقتصار فعل متعدی به لازم، قطع از تابعیت، جمله اسمیه، مفعول مطلق، مصدر هم جنس فعل، حال تأکیدی، بدل، تأکید با ساختمان (بناء) بیشتر، عطف، افعال مقاربه».

د. توصیف‌گری با اوصاف وزین: برای مثال مفهوم «عظیم» در عبارت شریفه ﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ (نور/ ۱۵) «به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می‌پنداشتید درحالی‌که نزد خدا بزرگ است!» دلالت بر اهمیت و بزرگی ردیله اخلاقی نفاق و دورویی دارد. ضمن اینکه عباراتی که بیانگر چون «پسندیدن»، «ارزشمندبودن» و یا

«محبوب بودن» یک امر را منتقل کنند به اشکال و صورت‌های متنوعی هستند که البته نه محدود به امور قیاسی و یا ساختاری و نه در دلالت و رتبه یکسان هستند؛ برای مثال هر چند طبق نظر غالب اندیشمندان اسلامی، فرمان خداوند دلالت بر وجوب دارد (علم‌الهدی، درس خارج کفایه الاصول، ۱۳۹۴؛ موسوی جزایری، درس خارج اصول فقه، ۱۳۹۴)؛ اما قالب استفهام توبیخی بیش از صیغه طلب، اهتمام و اهمیت یک امر را می‌رساند و همین بهترین دلیل بر این است که اگر امری از طرف خداوند متعال مورد طلب واقع شود، در حداقل دلالتش اهتمام خداوند متعال و اراده جدی او را در تحقق آن امر می‌رساند (زرین‌پور و امینی، «واکاوی صیغه امر از منظر ادبیات عرب و اصول فقه»، ۱۳۹۶: ۷۱- ۸۴)؛ یعنی وقتی در عبارت «أَنْفَقُوا» امر می‌شود که «انفاق نمایند» این انفاق در نزد خداوند متعال مورد عنایت و توجه ویژه است و تقدم دارد بر اینکه مثلاً فرموده است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» (بقره/۲۲۰) «و از تو درباره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است.» با توجه به مفهوم «خیر» در این آیه شریفه، اصلاح کردن بین یتیمان امری مطلوب معرفی شده است؛ اما انفاق در آیه قبل که متعلق طلب حقیقی واقع شده است و صریحاً به آن امر شده است، مرجح است؛ چرا که اگر گفته شود «انجام دهید!» متفاوت است با اینکه گفته شود «کار خوبی است!» و بهتر از انجام ندادن است.» قطعاً اگر خداوند متعال تحقق اختیاری فضیلتی را در انسان خواسته باشد، به اشکال مختلف این خواست خود را به او می‌رساند. البته بیان طلبی یکی از رساترین روش‌ها برای بیان این اراده تشریعی است (دائرةالمعارف قرآن کریم، بی‌تا: مدخل امر الهی: ۴)؛ چنان‌که مثلاً وقتی در خصوص فضیلت شکر به صورت پی‌درپی با عبارت «أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (یس/۳۵ و ۷۳)؛ طلبی در قالب استفهام توبیخی مطرح می‌شود، نشانه اهتمامی بیش از طلب معمولی است؛ چنان‌که همین فضیلت در بیانات دیگر با تأسف و ملامت‌گونه نیز بیان شده است که مؤید و مؤکد همین نکته است. برای نمونه عبارت: «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (بقره/۲۴۳؛ غافر/۶۱؛ یونس/۶۰؛ نمل/۷۳)؛ «خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند!» دلالت مکمل و یا قرینه خوبی بر این مدعاست که شکر و اهتمام به شکر بیش از یک خواست جدی معمولی است؛ بلکه امری است که با حساسیت فوق‌العاده‌ای پیگیری می‌شود.

۲. ارتباط گسترده هم‌نشینی با دیگر فضائل

در بررسی‌های معناشناختی درون‌متنی، یکی از روابط مهم که می‌تواند در کشف مفاهیم نقش مؤثر داشته باشد، کشف و تبیین و تفسیر روابط هم‌نشینی کلمات در سیاق و عبارات است. از طرفی



از آنجایی که بیان شد که فضائل رابطه سازواره‌ای با یکدیگر دارند و فضائل بنیادین از آنجایی که همانند ریشه و یا به تعبیری دیگر همچون نخ تسبیح اول و آخر دیگر فضائل هستند، بایستی ارتباط گسترده‌ای با دیگر فضائل داشته باشند؛ برای نمونه فضیلت صبر با فضائلی چون «ایمان، انفاق و دستگیری از نزدیکان، ایتم، مساکین و...، اقامه نماز، دادن زکات، وفای به عهد، صداقت و تقوا (بقره/۱۷۷)، درک برخی از نشانه‌های الهی (شوری/۳۳)، استغفار، حمد و تسبیح، استغفار و تسبیح به حمد پروردگار (غافر/۵۵)، ایمان، تقوا، نیکی (زمر/۱۰)، خوف الهی، اقامه نماز و انفاق، صبر با خوف الهی، اقامه نماز و انفاق (حج/۳۵) و...، رابطه هم‌نشینی دارد و در آثار و نتایج بسیاری از آنها شریک است و این نشانی از نقش کلیدی این فضیلت در میان دیگر فضائل دارد.

۳. رابطه تقابل با ردائل بزرگ و پرمخاطره

قطعاً فضیلت بنیادین فضیلتی است که نه تنها خود نقش مهمی در اخلاق و سعادت‌مندی انسان دارد که فقدان آن نیز تأثیر زیادی بر شقاوت انسان دارد. برای نمونه فضیلت ایمان و پذیرش حق فضیلتی بنیادین است که علاوه بر دیگر امتیازات بنیادین نقطه مقابل ردیله «کفر» است. کفری که آثار وخیمی در سعادت انسان دارند (بقره/۱۲۶؛ نور/۵۵)، چنان‌که در عبارت شریفه ذیل آمده است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَبِكُفْرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ...﴾ (بقره/۶۱ و ۹۱ و ۱۰۹)؛ «و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می‌شوند؛ درحالی که حق است و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می‌کنند...» کفر همواره انکار حق و نقطه مقابل آن است (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۱: ۱/ ۳۱۲ و ۱۷۷/۲)؛ چنان‌که در این آیه شریفه نیز تصریح شده است که با وجود حقانیتی تصدیق شده، ایشان رو به انکار و کفر آوردند؛ یعنی کفر در مقابل حق‌گرایی قرار دارد، کفری که آثار وخیمی چون بی‌بصیرتی و دل‌مردگی است (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱۷/ ۱۱۵)؛ و چون کافر دور از رحمت و لطف خداوندی (آل عمران/۳۲) شده است، گرفتار شدن او به دل‌تنگی و ضیق (انعام/۱۲۵ و ۷۱)، عذاب‌ها (آل عمران/۵۶؛ مائده/۷۳)، نکبت و ضنک (طه/۱۲۳) و خیزی (نحل/۲۷) و سوء (نحل/۲۷)، محرومیت از استعدادها (بقره/۷)، از عمل (بقره/۲۱۷)، از فرزند و دارایی‌ها (آل عمران/۱۰)، حبط (مائده/۵)، بی‌ثمری اعمال همچون سراب در بیابان (نور/۳۹)، خاکستری در باد (ابراهم/۱۳) و انواعی از خسارت‌ها (فاطر/۳۹) می‌شود (صفایی حائری، تطهیر با جاری قرآن، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۷۸).

۴. برخورداری از ترجیحات رتبی

گاه فضیلتی در قرآن کریم به نوعی مرجح از فضیلت دیگر مطرح می‌شود؛ برای نمونه وقتی با وجود ارزش والای حفظ جان آدمی و ارزش نجات جان یک انسان از مرگ که به اندازه نجات جان همه انسان‌ها معرفی شده است (مائده/۱۲۰) و آثار و مجازاتی که برای قتل انسان در احکام دینی وضع شده است، اعم از مجازات‌های دنیوی که شامل دیه و آزادکردن بنده است (نساء/۱۷۶) و یا آثار چون خلود در جهنم، غضب الهی، لعنت و عذاب بزرگ ذکر شده است (نساء/۹۳)، باز می‌بینیم قرآن کریم در خصوص فضیلت «شناخت و تمسک به دین الهی» فرمان بر قتال می‌دهد (بقره/۱۹۳؛ انفال/۳۹)؛ البته در صورتی که دشمنان دینی قصد نابودی دین کنند (بقره/۱۹۱). این رتبه‌بندی بیانگر این نکته است که این فضیلت در جامعه انسانی بی‌بدیل است. قطعاً یکی از مهم‌ترین دلایل این ارزشمندی می‌تواند نقش مهم این امر در تعالی و سعادت بشر باشد و این مطلب خود بیانگر ارزش سعادت جمعی و اجتماعی نسبت به ارزش سلامت جسمی فردی است.

بنابراین با توجه به مباحث ارائه‌شده مهم‌ترین معیارهای گزینش فضائل بنیادین عبارتند از: «فراوانی در متن قرآن کریم، خواست صریح و جدی آن، برخورداری از آثار و پیامدهای سعادت‌مندانه دنیوی و اخروی و جمعی و روحی و ویژگی برجسته الگوهای قرآنی، هدف برنامه‌های تربیتی قرآن، استفاده از بن، ساختار و یا محتوای تأکیدی در ارائه آن، ارتباط گسترده با دیگر فضائل، رابطه تقابل با رذائل و خیم العاقبه، رابطه جانشینی با دیگر فضائل بنیادین و برخورداری از ترجیحات رتبی» که حاصل بررسی‌های درون‌متنی هستند و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز بر آنها تأکید دارند، ضمن اینکه با شاخصه‌های اساسی بسیاری از نظریات و مکاتب مختلف اخلاقی جهان نیز هم‌پوشانی دارند.

نتیجه

یکی از صفات خداوند متعال «ذی‌المعارج» است و لزوماً از آنجایی که تعدد و تکرار در ذات الهی راه ندارد، در واقع این یعنی افعال و مخلوقات او هستند که صاحب درجات و مراتب بوده و برخوردار از مرحله‌بندی هستند و آفرینش انسان و نسل او و حتی مراحل رشد و کمال انسان نیز برخوردار از این ویژگی هستند؛ لذاست که امر تربیت و متخلق شدن انسان نیز مرحله‌بندی شده است و نزول تدریجی قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تربیت و پیاده‌سازی تدریجی قوانین اسلام و همچنین سیره سایر انبیاء و اوصیاء الهی، مؤید همین مدعاست. چنان‌که در ادوار مختلف همواره دست‌اندرکاران امر تربیت اخلاقی اسلامی و غیراسلامی عملاً دست به گزینش و اهم و مهم کردن فضایل زده‌اند. در این



میان گزینش چهار فضیلت و یا پنج فضیلت «شجاعت، عدالت، اعتدال، عفت، حکمت» و در برخی موارد «خداشناسی» که براساس قوای سه‌گانه «عقل، شهوت و غضب»، به‌عنوان اساسی‌ترین فضایل اخلاقی بیان شده بودند، سال‌ها مورد توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان بود؛ اما نه تنها گزینش این فضائل به‌عنوان فضائل بنیادین اسلامی همواره با نقدهایی همراه بود که بر معیارهای گزینش که قوای انسان است نیز نقدهایی وارد است. یکی از مهم‌ترین این انتقادات خواستگاه غیردینی این فضائل و ریشه داشتن آن در اندیشه‌های ارسطو بوده است. لذا مهم‌ترین هدف این پژوهش ارائه معیارهایی برگرفته از قرآن کریم برای گزینش فضائل بنیادین است. از منبعی که سرآمد دیگر منابع اسلامی بوده، در نهایت وثاقت و جامعیت به همه مباحث هدایتی و اخلاقی پرداخته است. معیارهایی که باتوجه‌به هدف مدنظر لزوماً برخورداری از شرایط ذیل است، «کاملاً مستفاد از متن خود قرآن کریم، کاشف از وصف بنیادین، مورد تأیید دلالت روایی، عقلی و نظریات مکاتب عقلی» که در نهایت برای دست‌یابی به این هدف فضائل اخلاقی در سیاق قرآنی و به روش توصیفی - تحلیل اینگونه بررسی و تبیین شدند:

نخست اینکه، از آنجایی که چنین فضائلی می‌بایست مورد اهتمام باشند؛ بنابراین در صریح‌ترین دلالت‌هایش بایستی برخورداری از: ۱. انواع تأکیدات متنی، اعم از تأکیدات ساختاری و محتوایی باشد؛ ۲. تصریح بر محبوبیت آن شده باشد و یا به‌عنوان ویژگی ممتاز افراد برجسته قرآنی ذکر شده باشد.

دوم اینکه، از آنجایی که بایستی برخورداری از نشانه‌های که دال بر رجحان باشند لازم است:

۱. سخن‌گفتن از آن در قرآن کریم فراوان باشد که نه تنها بیانگر وجود اهتمام بیشتر در خصوص یک فضیلت است که نشان‌دهنده وجود مطالب و نکات بیشتر پیرامون فضیلت مورد نظر است؛
 ۲. پیامدها و آثار متنوع و مهم دنیوی و اخروی همانند فلاح و سعادت ابدی و محبوبیت در نزد مردم، فراوان شدن روزی و... برای آن ذکر شده باشد؛
 ۳. متعلق خواست جدی و آمرانه خداوند متعال باشد؛
 ۴. فضیلت مدنظر با رذائلی که آثار و پیامدهای وخیم دارد، در تقابل باشد.
- سوم، به دلیل اینکه فضائل بنیادین، فضائلی اساسی و قوام‌بخش سازواره فضائل اخلاقی هستند، این معیارها باید کاشف از فضائلی باشند که «هدف و درعین حال مقدمه و هم‌نشین فضائل متعدد باشند»؛ یعنی ۱. هدف برنامه‌های تربیتی قرآنی باشند؛ ۲. ارتباط جان‌نشینی و هم‌نشینی متعددی با فضائل دیگر، داشته باشند.

چهارم اینکه، لازم است برای دوری از هرگونه خطا و اشتباه در برداشت‌های قرآنی و پرهیز از تفسیر به رأی و تحمیل نظرات بر قرآن کریم، دلالت آیات با روایات معصومین علیهم‌السلام تکمیل شود؛ چنان‌که توجه به دلالت‌های عقلی به‌خاطر اهتمام فراوان اسلام به آن نیز به‌عنوان دلالت‌های ضمنی و برای تکمیل و تبیین دلالت‌های قرآنی ضرورت دارد؛ دلالت‌هایی که معیارهای مکاتب مهم اخلاقی نیز تا حدود زیادی در ذیل آنها قرار دارند. با این اوصاف و شرایط بود که پس از بررسی‌های متعدد معیارهای ذیل به‌عنوان معیارهای گزینش فضائل بنیادین قرآنی ارائه و تبیین شدند: ۱. فراوانی واژه‌ها، عبارات و مفاهیم در بیان یک فضیلت؛ ۲. ویژگی برجسته الگوهای قرآنی؛ ۳. برخورداری از آثار و پیامدهای سعادتمندانه؛ ۴. هدف برنامه‌های پرهزینه الهی؛ ۵. استفاده از بن، ساختار و یا محتوای تأکیدی؛ ۶. ارتباط گسترده هم‌نشینی با دیگر فضائل؛ ۷. رابطه تقابل با ردائیل بزرگ و پرمخاطره؛ ۸. رابطه جانشینی با فضائل بنیادین دیگر؛ ۹. برخورداری از ترجیحات رتبی.

در نهایت هرچند این معیارها مختص گزینش فضائل بنیادین قرآنی است؛ اما با کمی گسترش در محتوا و باتوجه‌به روابط سازواره‌ای فضائل می‌توان برای رتبه‌بندی فضائل و یا کشف روابط سازواره‌ای فضائل نیز از این محتوا استفاده کرد که پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد و قطعاً نتایج آنها می‌تواند در تصحیح و کارآمدی بیشتر این معیارها نیز مؤثر باشند. ضمن اینکه این معیارها می‌تواند در ارائه فضائل اساسی در اخلاق کاربردی و صنفی، برای اصناف مختلف مفید و مؤثر باشد.



منابع

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. اویسی کهنخا، عبدالحی، عباسی، محمود، اتحادی، حسین، «تکرار و ارزش‌های بلاغی آن در شعر فرخی سیستانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۳.
۴. جاجرمی، هانیه، پیش‌قدم، رضا و مقیمی، سحر، «بررسی تعداد مؤثر تکرار واژه در یادگیری واژگان زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در پرتو الگوی هیجامند»، مجله پژوهشی مطالعات زبان و ترجمه، دوره ۵۴، شماره ۳، مهر ۱۴۰۰.
۵. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی‌تا.
۶. جمعی از نویسندگان، دائرةالمعارف قرآن کریم، بی‌تا.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ ۴، ۱۴۱۵ق.
۹. خدایرستی، فرج‌الله، فرهنگ معارف انگلیسی - فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. خراسانی، محمدکاظم (آخوند خراسانی)، کفایة الاصول، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۱۱. خندان، محمد، «نظریه‌های اخلاق هنجاری و چالش‌های اخلاقی در عرصه مدیریت اطلاعات»، تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی (کتابداری)، دوره ۴۴، ش ۵۳، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. دبیری، احمد، «فضیلت‌گرایی در اخلاق»، مجله معرفت اخلاقی، سال دوم، ش ۵، ۱۳۸۹.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت/دمشق: دارالعلم/النداء الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. زرین‌پور، داوود و امینی، راضیه، «واکاوی صیغه امر از منظر ادبیات عرب و اصول فقه»، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۱۶. ساروی، پریچه، فواید به‌کارگیری الفاظ مکرر در قرآن، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. سامانه آموزشی دانیون، تأثیر تمرین و تکرار در یلدگیری، سایت ویرگول، ۱۳۹۹ ه.ش.
۱۸. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، بیروت: مکتبه النهضة العربیة، چاپ: ۲، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۹. شیروانی، علی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم: دار الفکر، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. صاحب‌بن‌عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، قم: بیدار، چاپ: ۲، ۱۳۶۱ ش.
۲۲. صفایی حائری، علی، تطهیر با جاری قرآن، قم: لیلۃ القدر، چاپ: ۲، ۱۳۸۱ ه.ش.
۲۳. علم‌الهدی، سید محمد صادق، درس خارج کفایه الاصول، بحث حقیقت صیغه امر، ۶ خرداد ۱۳۹۴.
۲۴. غفاری باقری، ابوالفضل، نوع‌پرست، خسرو، تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا از منظر دیوید کار، فصلنامه فقه و اصول، دوره: ۳۳، ش ۲، ۱۳۸۰.
۲۵. غلامحسین زاده، غلامحسین و نوروزی، حامد، نقش تکرار آوایی در انسجام واژگان شعر عروضی فارسی، نشر پژوهی ادب فارسی، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹.
۲۶. فراهیدی خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۷. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه: جلال‌الدین مجتبوی، تهران: سروش، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ: ۴، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. کمرخانی، عرفان و شفیعی، صابر، «بررسی تأثیر تکالیف بر یادگیری متربی»، مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال سوم، شماره ۲۳، اردیبهشت ۱۳۹۹.
۳۰. معین، محمد؛ شهیدی، سیدجعفر؛ دهخدا، علی‌اکبر؛ احمدی‌گیوی؛ حسن، ویراستار: حسنی، حمید، لغتنامه معین، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران (روزنه)، ۱۳۴۱ ش.
۳۱. موسوی جزایری، درس خارج اصول فقه، ۱۵ آذر ۱۳۹۴ ش.



32. A group of authors, Fiqh Ahl al-Bayt (Persian), 56 volumes, Institute of Islamic Jurisprudence on the Religion of Ahl al-Bayt, Qom - Iran, I, AH.
33. Abu al-Hussein, Ahmad bin Faris bin Zakaria, Mujam Maqais al-Legha, 6 volumes, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, 1st edition, 1404 AH.
34. Danyon educational system, the effect of practice and repetition on learning, Virgul site, 2019 H.H.
35. Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda dictionary.
36. Farahidi Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ain, Hijrat Publications - Qom, second edition, 1410 A.H.
37. Gholamhosseinzadeh, Gholamhossein and Nowrozi, Hamed, The role of phonetic repetition in the vocabulary coherence of Persian prose poetry, Prose Research of Persian Literature, No. 24, Spring 2009.
38. Hawizi, Abdul Ali bin Juma, Tafsir Noor al-Thaqlain, 5 volumes, Ismailian - Iran - Qom, edition: 4, 1415 A.H.
39. https://en-m-wikipedia.org.translate.google/wiki/Spaced_repetition?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=sc.
40. https://en-m-wikipedia.org.translate.google/wiki/Spaced_repetition?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=sc.
41. <https://fa.warbletoncouncil.org/frases-adam-smith-2544>
42. <https://fa.warbletoncouncil.org/phrases-adam-smith-2544>.
43. Ibn Manzoor Muhammad Ibn Makram, The Language of the Arabs, Beirut: Dar Sadir, third edition, 1414 AH.
44. Jajermi Haniyeh, Pish Kadam, Reza and Moghimi, Sahar, Investigating the effective number of word repetitions in learning English as a foreign language in the light of Hijamand model, Research Journal of Language and Translation Studies, Volume 54, Number 3, Mehr 1400.

45. Johari, Ismail bin Hammad, Sahaha - Taj al-Lagha and Sahaha al-Arabiya, 6 volumes, Beirut: Dar al-Alam for the millions, print: 1, 1410 AH.
46. Kalini, Muhammad bin Yaqoob bin Ishaq, Al-Kafi (I - Islamic), 8 volumes, Tehran: Dar al-Kutub al-Islami, edition: 4, 1407 AH.
47. Kamarkhani, Erfan and Shafiei, Saber, Examining the effect of homework on teacher learning, Journal of New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education, third year, May 2019, number 23.
48. Mousavi Jazayeri, Lesson on the principles of jurisprudence, 15 Azar 2014.
49. Owaisi Kokha, Abdulai, Abbasi, Mahmoud, Ittiadi, Hossein, Repetition and its rhetorical values in the poetry of Farrokhi Sistani, scientific and research quarterly "Persian language and literature research", number 34, autumn 2013.
50. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, Beirut: Dar al-Alam "Al-Dar al-Shamia Damshq", 1st edition, 1412 AH.
51. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Tafsir Qur'an Mehr, 24 volumes, Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an - Iran - Qom, Edition: 1, 1387 AH.
52. Saadi, Abdur Rahman, Taysir al-Karim al-Rahman fi Tafisir Kalam al-Manan, 1 volume, Al-Nahda Al-Arabiya Library - Lebanon - Beirut, edition: 2, 1408 A.H.
53. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim, Tafsir al-Qur'an al-Karim (Sadra), 7 volumes, Bidar - Iran - Qom, edition: 2, 1361 AH
54. Safai Haeri, Ali, Cleansing with the flow of the Qur'an, 3 volumes, Lailat al-Qadr - Iran - Qom, edition: 2, 1381 AH.
55. Sahib bin Abad, Kafi al-Kafat, Ismail bin Abad, Al-Massin fi al-Lagha, 10 volumes, Beirut: Alam al-Kitab, 1st edition, 1414 AH.
56. Seyyed Mohammad Sadegh Alam Al-Hadi, a lesson on the sufficiency of al-usul, discussion of the truth of the form of matter, June 6, 2014
57. Zarinpour, Dawood and Amini, Razieh, "Analysis of the form of Amr from the perspective of Arabic literature and principles of jurisprudence", Journal of Approximate Studies of Islamic Religions, Year 12, Spring and Summer 2016, Number 46, Pages 71-84 .



Resources

1. Copleston, Frederick, *Tarikh-e Falsafeh-e Yunan va Rome*, Translated by Jalal al-Din Mojtobui, Tehran: Soroush, 1362 SH (1983 CE).
2. Dabiri, Ahmad, "*Fazilatgari dar Akhlagh*" (*Virtue Ethics*), Marefat-e Akhlaghi Journal, Year 2, No. 5, 1389 SH (2010 CE).
3. Danion Educational System, *The Effect of Practice and Repetition on Learning*, Virgool Website, 1399 SH (2020 CE).
4. Farahidi Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ain*, Qom: Hijrat, 2nd Edition, 1410 AH (1989 CE).
5. Ghaffari Baqeri, Abolfazl; Noeparast, Khosro, "*Tarbiat-e Akhlaghi Fazilatgara az Manzar-e Davud Carr*" (*Ethical Education from the Perspective of David Carr*), Fegh va Osul Journal, Vol. 33, No. 2, 1380 SH (2001 CE).
6. Gholamhosseinzadeh, Gholamhossein; Noroozi, Hamed, "*Naghsh-e Takrar Avai dar Ensajam-e Vaghaye-e Sho'ar-e Aruzi-e Farsi*" (*The Role of Phonetic Repetition in the Coherence of the Vocabulary of Persian Rhythmic Poetry*), Nasr-e Pazhuheshi-ye Adab Farsi Journal, No. 24, Spring 1389 SH (2010 CE).
7. Hoveyzi, Abdul Ali bin Jama'ah, *Tafsir Noor al-Thaqalayn*, Qom: Ismailiyan, 4th Edition, 1415 AH (1994 CE).
8. Ibn Fares, Abu al-Hossein Ahmad bin Zakariya, *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (*Dictionary of Language Measures*), Qom: Publications of the Islamic Preaching Office of Qom Seminary, 1404 AH (1983 CE).
9. Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab* (*The Tongue of the Arabs*), Beirut: Dar Sadir, 3rd Edition, 1414 AH (1993 CE).
10. Ilm al-Hadi, Sayyid Mohammad Sadiq, *Dars-e Kharij-e Kefayat al-Usul: Bahs-e Haqiqat-e Siqah-e Amr*, 6 Khordad 1394 SH (27 May 2015 CE).
11. Jajarmi, Hanieh; Pishghadam, Reza; Moqimi, Sahar, "*Barresi Tadad-e Mooaser-e Takrar-e Vazheh dar Yadgiri-ye Vaghaye Zaban-e Engilisi be-'Onvan-e Zaban-e Kharaji dar Partow-e Hegemonyand*" (*Investigating the Effect of Active Word Repetition on English Vocabulary Learning as a Foreign Language in Light of the Hegemonic Pattern*), Pazhuheshi-ye Motale'at-e Zaban va Tarjomeh Journal, Vol. 54, No. 3, May 1400 SH (2021 CE).
12. Johari, Ismail bin Hammad, *Al-Sihah Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah* (*Sihah of Language and Arabic*), Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin, 1410 AH (1990 CE).
13. Kamarkhani, Erfan; Shafiei, Saber, "*Barresi-e Taseer-e Takalif dar Yadgiri-e Motarab*" (*Investigating the Effect of Duties on Student Learning*), Pishraft-haye Novin dar Ravanshenasi, Olum-e Tarbiati va Amuzesh va Parvarish Journal, Vol. 3, No. 23, April 1399 SH (2020 CE).
14. Khandan, Mohammad, "*Nazariyehaye Akhlagh-e Hanjari va Chalshaye Akhlaghi dar Arze-ye Modiriyat-e Ettela'at*" (*Normative Ethical Theories and Ethical Challenges in the Field of Information Management*), Tahghighat-e Ketabdar va Ettela'at Daneshgahi (Ketabdar) Journal, Vol. 44, No. 53, 1389 SH (2010 CE).
15. Khodaparast, Farajollah, *Farhang-e Ma'arif English-Farsi (Islamic Sciences Terms Dictionary of English-Farsi)*, Tehran: Farhang Mo'aser, 1385 SH (2006 CE).
16. Khorasani, Mohammad Kazem (Akhund Khorasani), *Kefayat al-Usul*, Qom: Al al-Bayt Institute, 1409 AH (1988 CE).

17. Kolayni, Mohammad bin Ya'qub bin Ishaq, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 4th Edition, 1407 AH (1986 CE).
18. Mo'in, Mohammad; Shahidi, Seyyed Jafar; Dehkoda, Ali Akbar; Ahmadi Guyavie, Hassan, *Loghatnameh-e Mo'in*, Tehran: Roozaneh Publishing Institute, 1341 SH (1962 CE).
19. Mousavi Jazayeri, *Dars-e Kharaj Usul-e Feqh*, 15 Azar 1394 SH (6 December 2015 CE).
20. Owaisi Kakhkha, Abdul-A'li; Abbasi, Mahmoud; Etedadi, Hossein, "*Takrar va Arzeshaye Balaghi An dar She'r-e Farrokh-i Sistani*" (*Repetition and Its Rhetorical Values in the Poetry of Farrokh Sistani*), "*Pazhuhesh-e Zaban va Adabiyat-e Farsi*" Quarterly, No. 34, Autumn 1393 SH (2014 CE).
21. Raghib Esfahani, Hossein bin Muhammad, *Al-Mufradat fi Ghareeb al-Quran*, Beirut/Damascus: Dar al-Ilm/al-Dar al-Shamiyyah, 1412 AH (1991 CE).
22. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Tafsir Quran Mehr*, Qom: Research on Tafsir and Quranic Sciences, 1387 SH (2008 CE).
23. Sadi, Abdul Rahman, *Taysir al-Karim al-Rahman fi Tafsir Kalam al-Mannan*, Beirut: Maktabat al-Nahdah al-Arabiyyah, 2nd Edition, 1408 AH (1987 CE).
24. Sadra Shirazi, Mohammad bin Ibrahim, *Tafsir al-Quran al-Karim (Sadra)*, Qom: Bidar, 2nd Edition, 1361 SH (1982 CE).
25. Safayi Ha'iri, Ali, *Tathir ba Jari Quran (Purifying by the Flowing Water of Quran)*, Qom: Lailat al-Qadr, 2nd Edition, 1381 SH (2002 CE).
26. Sahib bin Abbad, Kafi al-Kifayat, Ismail bin Abbad, *Al-Muheet fi al-Lughah*, Beirut: Alam al-Kutub, 1414 AH (1993 CE).
27. Sarvi, Paricheh, *Favayed-e Be-Kargiri-ye Alfaz-e Makrar dar Quran*, Tehran: Tabian Cultural and Information Institute, 1395 SH (2016 CE).
28. Shirvani, Ali, *Akhlaq-e Islami va Mabani Nazari-ye An*, Qom: Dar al-Fikr, 1379 SH (2000 CE).
29. Various Authors, *Encyclopedia of the Holy Quran (in Persian)*, n.d.
30. Various Authors, *Magazine of Fiqh of Ahl al-Bayt (AS) (in Persian)*, Qom: Encyclopedia of Islamic Fiqh according to the Ahl al-Bayt School (AS), n.d.
31. Zarrinpour, Davood; Amini, Razieh, "*Vakavi-e Amr az Manzar-e Adabiyat-e Arab va Osul-e Fegh*" (*Investigation of the Imperative Mood from the Perspective of Arabic Literature and Principles of Jurisprudence*), *Motale'at-e Taqrabi-e Mazahib-e Eslami Journal*, Vol. 12, No. 46, Spring and Summer 1396 SH (2017 CE).
32. <https://en-m-wikipedia>
33. org.translate.google/wiki/Spaced_repetition?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=sc.
34. <https://fa.warbletoncouncil.org/frases-adam-smith-2544>.